

فیش منبر؛ چک سفید شیعیان

ویژه ایام فاطمیه

حضرت زهرا سلام الله علیها در روایتی فرمودند: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِعَلِي (ع): أَمَا إِنَّكَ يَا بِنَ أَبِي طَالِبٍ وَشِيعَتَكَ فِي الْجَنَّةِ. پیامبر اکرم ص به حضرت علی ع فرمودند: ای علی! تو و شیعیانت در بهشت خواهید بود.

آیا این روایت حضرت زهرا سلام الله علیها چک سفیدی است که به شیعه اعطا شده است؟ آیا هر فردی که در شناسنامه او نام شیعه درج شده است، ولو این که هیچ گاه در طول عمر خود به مرام اهل بیت علیهم السلام عمل ننموده باشد، عاقبت به خیر است و به بهشت خواهد رفت؟ آیا صرف این که فردی به دلیل تشیع والدین خود، مذهب شیعه را برگزیده است، اگرچه هرگونه لا ابالیگری را مرتکب شود، باز هم بهشتی است؟ و در مقابل، کسی که در دنیا به دلیل وجود موانع نتوانسته اهل بیت علیهم السلام را به عنوان ولیّ و حجت الهی بشناسد و مصداق را اشتباه تشخیص داده است، اما در حد علم خود، به اوامر الهی توجه داشته و امثال نموده است، چنین فردی جهنمی خواهد بود؟ آیا این با عدالت خداوند سازگاری دارد؟ و آیا چنین دیدگاهی معاذ الله نوعی توهین به اهل بیت علیهم السلام نیست؟ آیا لازمه چنین حرفی این نیست که قائل شویم اهل بیت علیهم السلام خود را، و نه خدا را، محور عالم می دانند و هرکس که حتی انتساب ظاهری به آنها داشته باشد، ولو این که امثال اوامر الهی را ننموده باشد، بهشتی خواهد بود؛ وگرنه خیر؟

در جواب سؤالات فوق باید گفت دین را بسیار اشتباه متوجه شده ایم و این اشتباه ممکن است موجب ایجاد خسران برای ما بشود. مقصود از شیعه در روایات، شیعه ظاهری و به تعبیر امروزی، شیعه شناسنامه ای نیست. برای دفع این توهم که شیعه بودن، خلاصه در شیعه ظاهری است، حضرت زهرا سلام الله علیها به تبیین معنا و لازمه شیعه بودن پرداخته اند. به عبارت دیگر، در روایت فوق، حکم شیعه بودن را فرموده اند؛ حکم شیعه بودن، بهشتی شدن است؛ اما در روایت فوق، موضوع به طور دقیق بیان نشده و برای تبیین آن باید به روایات دیگر مراجعه کرد. موضوع روایت فوق که

«شیعه» بودن است در روایات دیگر تبیین شده است. از جمله حضرت زهرا سلام الله علیها در روایتی به شرح زیر شیعه را به طور دقیق تعریف فرمودند:

قالَ رَجُلٌ لِامْرَأَتِهِ: إِذْهَبِي إِلَى فَاطِمَةَ فَاسْأَلِيهَا أُنِّي مِنَ شِيعَتِكُمْ؟.. فَقَالَتْ: قُولِي لَهُ: إِنْ كُنْتَ تَعْمَلُ بِمَا أَمَرْنَاكَ وَتَنْتَهِي عَمَّا زَجَرْنَاكَ عَنْهُ، قَأْنْتَ مِنْ شِيعَتِنَا، وَ إِلَّا فَلَا. (تفسیر الامام العسکری(ع):ص:۳۲۰، ح ۱۹۱)

مردی به همسر خود گفت: نزد فاطمه سلام الله علیها برو و از او بپرس آیا شوهر من در زمره شیعیان شما هست؟ حضرت زهرا سلام الله علیها فرمودند: به او بگو: اگر آنچه را که ما اهل بیت دستور داده ایم عمل کنی و از آنچه نهی کرده ایم خودداری نمایی، تو از شیعیان ما هستی وگرنه، خیر .

نتیجه‌ای که از روایت شریفه گرفته می‌شود این است که شیعه بودن، التزاماتی دارد که باید به آنها ملتزم بود تا اسم شیعه بر فردی صادق باشد. شیعه را در فارسی، «پیرو» می‌گویند؛ یعنی کسی که از پی کسی دیگر و به دنبال او می‌رود؛ هر کجا فرد پیشرو می‌رود، پیرو هم می‌رود و همان گونه عمل می‌کند. پس در معنای شیعه، اولاً مفهوم حرکت نهفته است و ثانیاً حرکت در جهتی که پیشرو در حرکت است. اگر هر کدام از این دو معنی نباشد، شیعه بودن نخواهد بود.

حال ممکن است شبهه‌ای ایجاد شود و آن این که بنا بر تعریف فوق، دایره بسیار تنگ‌تر از قبل شد. تا پیش از این، عده‌ای از شیعیان معتقد بودند از میان ۸ میلیارد انسانی که در کره زمین زندگی می‌کنند، فقط آنها هستند که به بهشت می‌روند، اما اکنون با تعریفی که از شیعه انجام شد، از میان شیعیان نیز فقط عده معدودی از آنها به بهشت می‌روند و سعادت‌مند می‌شوند و بقیه انسانها حتی تعداد زیادی از شیعیان، از بهشت محرومند و به جهنم می‌روند. مگر شما نمی‌گویین رحمت خداوند بر غضبش غلبه دارد و مگر نمی‌گویید خداوند مهربان و رؤوف است؛ پس این گه مهربانی و رحمتی است که غالب انسان‌ها را به جهنم می‌برد و فقط عده کمی را بهشتی می‌نماید؟

در جواب باید گفت آنچه که برای سعادت‌مند شدن ملاک است عمل به حجتی است که خداوند برای انسان‌ها می‌فرستد. خداوند قطعاً حجت را به هر طریق که شده بر انسان‌ها تمام می‌کند؛ چه حداقلی و چه حداکثری. کمترین میزان حجت، عقل و وجدان و فطرتی است که خداوند به انسان

داده و آن را به همه انسان‌ها داده است. اگر ندای رسول و امام به افرادی نرسید، همین که به ندای فطرت و عقل و وجدان خود عمل کنند خداوند آنها را مورد فضل و رحمت خویش قرار خواهد داد. البته این در صورتی است که آنها جاهل قاصر باشند، نه جاهل مقصر. امام کاظم ع می‌فرمایند: إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ : حُجَّةٌ ظَاهِرَةٌ ، وَ حُجَّةٌ بَاطِنَةٌ ، فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأئِمَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، وَ أَمَّا البَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ^۱ خداوند دو حجت بر مردم فرستاده است: حجت ظاهر که رسولان و انبیا و ائمه‌علیهم‌السلام باشند و حجت باطن که عقل باشد.

حداقل یکی از این دو حجت بر همه انسانها عرضه شده و می‌شود. اگر انسان دستش از دامن انبیا و ائمه کوتاه است اگر به ندای عقل و فطرت خویش عمل کند سعادت‌مند خواهد شد. البته در جایی که دسترسی به حجت ظاهر هست، دیگر نباید به تعبیر طلبگی «اجتهاد در مقابل نص» نمود و حرف عقل را ترجیح بر حرف امام و نبی قرار داد. البته حجت ظاهر هیچ‌گاه خلاف عقل نمی‌گوید، اما برخی از لایه‌های علوم است که عقل به آنها پی نمی‌برد.

شبهه دیگر این است که تکلیف پیروان سایر ادیان چه می‌شود؟ آیا آنها جهنمی هستند؟ جواب این این است که آنها نیز هر مقدار بر این دو حجت دست یافته‌اند و مطابق آن عمل نموده‌اند سعادت‌مند خواهند بود. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ هَادُوا وَ النَّصَارَى وَ الصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره/ آیه ۶۲) کسانی که (به پیامبر اسلام) ایمان آورده‌اند، و کسانی که به آئین یهود گرویدند و نصاری و صابئان [= پیروان یحیی] هر گاه به خدا و روز رستاخیز ایمان آورند، و عمل صالح انجام دهند، پاداششان نزد پروردگارشان مسلم است؛ و هیچ‌گونه ترس و اندوهی برای آنها نیست. (هر کدام از پیروان ادیان الهی، که در عصر و زمان خود، بر طبق وظایف و فرمان دین عمل کرده‌اند، مأجور و رستگارند.) (ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی)

البته عقل می‌گوید وقتی حجت بالاتر قابل دسترسی است باید به آن رجوع کرد. اگر حجت بالاتر در دسترس باشد و انسان به بالاتر بودن آن پی ببرد و با این وجود باز هم لجاجت و تعصب بورزد و به حجت بالاتر رجوع نکند، در این صورت عاقبت بخیر نخواهد شد.

^۱ تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۷۷۶